

نهمین جلسه از سلسله جلسات گفت‌وگوهای سیاست‌گذاری و فرهنگ

«قابلیت‌های ادب فارسی در ترمیم انسجام فرهنگی و اجتماعی»

- دکتر ابراهیم فیاض
- دکتر سیدحسین شهرستانی
- آقای مهدی صالحی
- دکتر میثم مهدیار (دبیر نشست)

مهدیار

بسم الله الرحمن الرحيم دومین جلسه از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری و فرهنگ را آغاز می‌کنیم. این جلسات در واقع به درخواست شخص وزیر در پژوهشگاه آغاز شده است. با توجه به تحولاتی که در چند ماه اخیر در کشور اتفاق افتاد هیئت حاکمه، احساس می‌کند آگاهی کمی نسبت به جامعه دارد و نیاز می‌بیند به دریافت‌های جدید برسد که لازمه آن این است که کسانی که تعامل کردند و فکر کردند راجع به فضای اجتماعی بیابند و نظراتشان را راجع به موضوعاتی که در مأموریت وزارت ارشاد است بیان کنند. در این ۹ جلسه راجع به موضوعات مختلفی راجع به موضوعات مختلف علوم انسانی، اقتصاد، فرهنگ نسبت سیاست و فرهنگ بحث‌هایی شد و طبق دستور وزیر هر نشستی را یک گزارش سیاستی از آن آماده می‌کنیم و ارسال می‌کنیم اتفاقاتی افتاده است این است که این یکی دو هفته این گزارشات به دفتر رئیس جمهور رسیده است و رئیس جمهور روی بعضی گزارش‌ها دستور دادند ویژه پیگیری شود

الان مثلاً معاون حقوقی و پارلمانی وزارت ارشاد مأمور پیگیری بعضی از وضعیت گزارش های سیاستی شده است و تا ۱۵ اسفند مثلاً به ایشان گزارش داده شود به کجا رسیده است. هر چقدر جلسات پیش می‌رود از موضوعات کلی به سمت موضوعات انضمامی و بر روی زمین تر و مرتبط با مأموریت ها و امکانات ارشاد می‌رویم و امروز شاید اولین جلسه ای باشد که به طور خاص راجع به موضوع خاص در حوزه فرهنگ صحبت می‌کنیم موضوعات قبلاً کلی تر بود.

بحثی است مدت‌ها در پژوهشگاه شروع کردیم و این بود که مهمترین کار حکمرانی فرهنگی، استفاده از منابع فرهنگی برای سیاستگذاری فرهنگی است. یکسری منابع داریم و یک سری مسائل داریم این منابع را در خدمت مسائل قرار دهیم.

مسئله‌ای که هست این است که ما به این منابع خیلی متفطن نیستیم. حداقل ۵،۶ منبع عمده که داریم دین است مذهب است سنت آیین‌هاست و یکی از مهمترین منابع در جامعه ما به خصوص مسئله ادبیات کهن ایران است. از این جهت جزو منابع ما استفاده می‌شود که حداقل شش هفت قله جهانی در حوزه ادبیات داریم شاید در حوزه نقاشی یا در خیلی حوزه‌های دیگر نباشد ولی در حوزه ادبیات قله جهانی داریم که کلی در فرهنگ های دیگر راجع به آنها بحث شده است و حتی از آنها دفاع شده است برخی کسانی آمدند و در برابر بخش دیگری از اندیشمندان که نگاه انتقادی داشته‌اند که فراتر از یک توجه معمولاً متعارف بوده است.

این مسئله است که در ۲،۳ جلسه به آن پردازیم و آن اینکه از این منبع فرهنگی چطور می‌توان استفاده کرد آیا اصلاً می‌توان استفاده کرد؟ می‌توان به وسیله حکمرانی فرهنگی از این منبع استفاده کنیم و چطور استفاده کنیم که مفید باشد آسیب نرساند و به ضد خودش تبدیل نشود چون بسیاری موارد از منبع استفاده می‌کنیم به ضد آن تبدیل می‌شود اتفاقاً جاهایی که سیاست‌گذاری فرهنگی نمی‌کنیم بیشتر جواب می‌دهد مانند حرکت‌های مردمی و اینها سؤال اصلی این است.

بسم الله الرحمن الرحيم از دعوت شما متشکرم. چون جلسه جنبه کاربردی دارد و سیاستگذاری فرهنگی دارد و امیدواریم به گوش صاحب‌منصبان برسد و فکری به حال و اوضاع و احوال کنند در واقع من عناوین خیلی کلی و کلان را اشاره می‌کنم و جنبه‌های سیاست‌گذاری نزدیک است را بیان می‌کنم. یک سری بحث‌های مبنایی نیز در بین آن هست که پشتوانه اثر سیاستی ادبیات است. به طور کلی ادبیات نسبتش با سیاست که سیاست تدبیر مدینه و شهر و تمدن است مبتنی بر تطابق فرهنگی و تمدنی با شرایط زیست بوم تاریخی محیطی چه جنبه‌های سیاسی است در واقع نرم افزار این تطابق فرهنگی است چون اصل سیاست تدبیر و چاره‌گری، یکجور انعطاف‌پذیری و تدبیر شرایط و موقعیت های تمدنی و تاریخی است ادبیات در واقع نرم‌افزار این اتفاق است به یک معنا رقیق‌ترین و منعطف‌ترین بخش فرهنگ و تمدن است و در عین حال با دوام‌ترین و پایدارترین زبان به طور کلی و به طور خاص ادبیات که لایه نخبگانی و بالای زبان محسوب میشود یا آن وجه تولیدگر و بنیاد قوام بخش به زبان محسوب می‌شود. در واقع در این انعطاف‌پذیری و چاره‌گری و تدبیر و سیاست، فرهنگ را توانمند می‌کند. یعنی امکان سیاست است، یکی از اهرم‌ها و حربه‌های در اختیار سیاست نیست. حالا به طور خاص این که ما با ادبیات این امر ممکن می‌شود که هم اصالت فرهنگی و سنت حفظ شود هم مواجهه با مسئله معاصر در متن چارچوب سنت ممکن بشود. جمع بین اصالت و معاصریت. حفظ سنت و مواجهه با معاصریت. چون زبان یک پدیده فرهنگی زنده است، چون ادبیات مثل بنای تاریخی و معماری نیست. سنت هنری و معماری نیز زنده است البته او هم به واسطه ادبیات میتواند حیات پیدا کند. ولی در واقع به تعبیر نظامی آنچه او هم نو است و هم کهن است سخن است و در این سخن، سخن است.

ادبیات، زبان، سخن، هم کهنه است شما گفتید ادبیات کهنه فارسی، شعر فارسی زنده است، تازه است همان شعر کهن تازه است. ادبیات که در واقع شاعری امروز که دارد واقع شامل می‌شود. خلاقیت ادبی امروز در امتداد سنت قرار دارد و شامل می‌شود اما هنوز هم زنده است و تازه است. به‌خصوص برای فرهنگ‌هایی که زبانشان را حفظ کردند این هم یک شاخصه فرهنگ و ادب فارسی است که توانسته میراث صد و هزار ساله‌ی ادب فارسی را

حفظ کند و تازه نگه دارد؛ شعر رودکی زنده است بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی. این خصلت ذاتی ادبیات لزوماً نیست زبان می‌تواند فراموش شود. زبان فراموش شده داریم زبان مرده داریم. زبان‌هایی که جابجا شدند با زبان‌های تازه. جابه‌جایی زبان‌های اروپایی با زبان لاتین. پس نکته اولیه این اصل سیاست است. اصل سیاست ملی به خصوص برای کشورهایی که جنبه ارزشی دارد تمام مسئله جمهوری اسلامی این است که چگونه ارزش‌ها را حفظ کنیم در عین اینکه با مسائل معاصر مواجه می‌شوی. این جوهره ادبیات است نظامی نیز دارد همین را بگویند؛ کهنگی و نو بودن با هم جمع می‌شود.

از طرفی دیگر خوب یکی از نمونه‌های آن این است که ادبیات فارسی در مواجهه با تمدن اسلامی چه کار کرده است؟ هم هویت ملی را حفظ کرده است هم تمدن و فرهنگ اسلامی را در متن فرهنگ ایرانی نهادینه کرده، درونی کرده و به نحو پایداری پایه‌های اسلام را در فرهنگ ایرانی محکم کرده در عین این که هویت ملی حفظ شده است. این پیوند پایدار بین هویت ملی و هویت دینی در ایران که نمونه مواجهه در واقع حفظ اصالت در عین مواجهه با امر معاصر که در آن زمان امر معاصر اسلام است، این اتفاق است. باز که یکی از مسائل مهم سیاست و فرهنگ در دوره معاصر است؛ نسبت بین عناصر هویت ملی، هویت ایرانی هویت اسلامی و حالا هویت مدرن که معاصریت امروز ماست.

و عنصر اصلی «تاب‌آوری فرهنگی» در تاریخ تمدن ما بوده است در شرایط دشوار تاریخی. اتفاقاتی که مشهور است؛ مغول حمله کرده است به ادبیات فارسی و در کنار آن هنرهای دیگر، قلمرو فرهنگ والا [حفظ شده است] اما به پشتوانه ادبیات. خود ورود اسلام در واقع ما قلمرو ایران سیاسی را از دست داده‌ایم و در ادبیات تاب‌آوری داشتیم بنابراین مسئله تاب‌آوری اجتماعی در یک پهنه سرزمین با وجود ناملایمات و دشواری‌ها [مطرح است].

یک جلسه‌ای در همین قضایای اخیر ما داشتیم درباره وضع هویت ملی و هویت فرهنگی بحث من این بود که اتفاقاً بعد از انقلاب عناصر هویت ملی تقویت شد برخلاف خیلی از دیدگاه‌ها/ صدمات و بحران‌هایی که داشتیم که بحران‌های نظام جهان است. با تمام دشواری‌های اقتصادی دهه ۹۰ اتفاقاً عنصر فرهنگ بوده است که بار وضعیت اجتماعی را به دوش کشیده است این تلاطم‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند دگرگونی‌های خیلی

بزرگتری در جامعه ایرانی به وجود بیاورد؛ نگاه کنید دلار که در یک روز ۴-۵ هزار تومان به قیمت آن اضافه می‌شود. این تلاطم بزرگی را می‌تواند ایجاد کند]] لنگری که این کشتی را در تلاطم حفظ کرده است اتفاقاً عنصر فرهنگ است. در واقع آن عنصر اصلی تاب آوری ما در برابر تلاطم های جهانی عنصر فرهنگ بوده است. تلاطم های گسترده ای دارد که حالا نسل جدید دارد رسانه ها و شبکه های اجتماعی و ارتباطاتی خودش یک وجه فراگیر تلاطم های جهانی است.

ادبیات از وجه دیگر نقطه پیوند ارزش های عالی فرهنگی، ارزش های پایدار فرهنگی با فرهنگ عمومی است. وجهی که معمولاً در تاریخ فلسفه و فرهنگ ما، هنر و ادبیات را با آن درک بوطیقایی با این وجه می‌فهمیده‌اند. به خصوص تفسیر سنت فلسفه اسلامی و جهان اسلام از درک بوطیقایی ارسطویی که وجه تبلیغی و ترویجی ادبیات است. این وجهی که هنر و ادبیات، قلمرو خیال به تعبیر فلسفی، واسطه بین عقل و حس است که مصداق اجتماعی آن می‌شود میان جیگری بین نخبگان یا ارزش های فرهنگی معیار با عامه مردم یعنی در واقع بسط ارزش های فرهنگی در حوزه فرهنگ عمومی به واسطه ادبیات همیشه رخ می‌داده است که اینجا رابطه بین ادبیات و ادب در واقع مدنظر است. ادبیات، آموزش، پایداری تربیت و ادب آموزی قرار می‌گیرد. ادب و آداب و ادبیات. هر کدام از اینها شاخصه های خودشان را دارند مثلاً در بخش قبلی می‌توانیم فردوسی را به عنوان نماد وجه تداوم فرهنگی در عین معصرت و جمع بین اصالت و معاصریت در نظر بگیریم که فردوسی دارد فرهنگ ملی را به واسطه ادبیات تداوم می‌دهد. اینجا سعدی را می‌توانیم نماد و سنبل این وجه کارکرد ادبیات در نظر بگیریم که در واقع رساندن ارزش های فرهنگی به قاعده جامعه، ادبیات تعلیمی به طور خاص این کارکرد و ویژگی را دارد.

در عصر جدید «ادبیات» بحران جوامع غیر غربی حتی جوامع اروپایی است. در یک زمانی باید می‌گفتیم جوامع غیر اروپایی در برابر غرب، الان باید بگوییم کل جوامع در برابر آمریکا حتی اروپایی ها در برابر آمریکا مسئله شان تاب آوری و خویشتن باوری و تمسک به دست آویزهایی برای این است که یک نوع غرب زدگی و آمریکایی شدن کلی فرهنگ را با خودش نبرد و ادبیات همیشه رکن اساسی خویشتن باوری جمعی ایرانیان در برابر خودباختگی، غرب

زدگی و آمریکایی شدن فرهنگ جهانی در عصر حاضر بوده و هست که الان غرب هم نیست و آمریکاست.

حتی فراتر از آن - اینها وجه انفعالی، تدافعی است و مقاومت فرهنگی است - ادبیات وجه تهاجم معکوس فرهنگی را نیز می‌توانسته است داشته باشد؛ فرهنگ ایرانی اثر جهانی داشته باشد یکجور صادرات فرهنگی، تهاجم فرهنگی معکوس، مزیتی که ما در قلمرو فرهنگ در سطح جهان داریم.

به یک نحوی می‌توان گفت حداقل یکی از مهمترین وجه مشارکت و سهیم بودن ایرانیان در فرهنگ جهانی داشته باشد اگر ایرانیان بخواهند سهمی در فرهنگ بشری داشته باشند، ما شاید در قلمرو علم - البته بوعلی سینا را داریم و ابوریحان و زکریای رازی را داریم - ولی آن طرف با نام هایی مثل بطلمیوس و نیوتن و کوپرنیک روبرو می‌شویم که با همه بزرگی چیز و فرهنگ‌های دیگر...

حالا در حوزه‌های دیگر، فلسفه هرچقدر فارابی و بوعلی و ملاصدرا بزرگ باشند - بالاخره شما در برابر نام‌های... حالا ما خودمان تأکید داریم بر روی فلسفه اسلامی - اما وقتی نام افلاطون ارسطو و فیلسوفان معاصر را می‌آورید بالاخره میدان آنقدر فراخ نخواهد بود ولی ادبیات حقیقتاً ببینید به عنوان یک نمونه گوته در فرهنگ اروپایی معاصر نقش حافظ را دارد در کل ادبیات فارسی حتی نقش جمع بین حافظ و سعدی را دارد چیز بی‌بدیل است. وبر می‌گوید هر هزار سال در یک کشور ظهور می‌کند

و گوته اینطور دلباخته حافظ است، فقط حافظ نیست در کنارش سعدی را شما دارید، هم‌تراز حافظ. فقط این نیست که حافظ باشد. فردوسی را داریم که از همه برتر است ناصر خسرو سنایی عطار مولوی را دارید که در واقع... و خیام که لحظه‌ای در تاریخ غرب مطرح می‌شود. حالا خودمان آنقدر قبولش نداریم که غربی‌ها قبولش دارند.

و ادبیات در فرهنگ به طور خاص یعنی قلمرو فرهنگ که می‌گوییم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منظورمان فرهنگ به مثابه امر زیبایی شناختی است. ادبیات در واقع نقطه بنیان

گذار سایر هنرها است و نقطه‌ای است که ارزش‌ها و معیار فرهنگی ... اینها این مسائل سیاست‌گذار است که چگونه با تأثیری گفتگو کنم میانجی گفتگوی سیاستگذار با تأثیری که در جهان دیگری زندگی می‌کنند، ادبیات فارسی است چون ادبیات فارسی به طور پیشینی ارزش‌های معیار فرهنگی را درونی کرده است و با زبان ادبیات که زبان هنر است می‌توان با دیگر هنرها گفتگو کرد و از درون ادبیات می‌توان سایر هنرها را... سیاست‌گذار هر کاری می‌خواهد بکند از مسیر ادبیات می‌تواند از هنرها را ... و ادبیات فارسی در واقع خنثی نیست، ادبیات فارسی نسبتی دارد. بالاخره فرم تأثیر برای شما خنثی است یا حتی واگرا است برای فرهنگ شما و سینما به لحاظ فرم یک اقتضائاتی دارد که برای سخنی که شما می‌خواهید زمزمه بکنید نسبتش یا لاقتضا است یا خیلی هم رام نیست ولی ادبیات در واقع هزار سال در تنور فرهنگ اسلامی - ایرانی، ادبیات فارسی تنیده و بافته شده است و چون هنرهای دیگر الهام از ادبیات می‌گیرند این توسن سرکش هنرها را... چون بالاخره اهل هنر سرکش هستند و هنرها اصولاً سرکشی دارد و بحث سیاستگذار همان است که - در واقع آن سرکش هم لازم است اما - سیاستگذار می‌خواهد به قصدی برسد باید - قصد درستش را می‌گوییم سیاست‌گذاری در مفهوم منفی و نازل را نمی‌گوییم به مفهوم اساسی کلمه را در مد نظر داریم - می‌خواهد این‌ها را در خدمت یک تعالی فرهنگی قرار دهد در حالی که اینها ساز خودشان را می‌زنند خب موسیقی هم هست. ادبیات است که می‌تواند واسطه گفتگوی سیاستگذاری با هنرهای دیگر باشد معمولاً هم وزرای فرهنگ باید اهل ادب باشند زبان گفتگو را بلد باشند. سیاستمدار باید اهل ادب باشد امکان تعامل و گفتگو است.

ادبیات وجه قوام زبان مشترک ملی است که زبان مشترک ملی وجه قوام هویت ملی است که اگر نباشد تجزیه می‌شویم که بالاترین بلایی که سیاست ملی می‌تواند دچار شود جنگ داخلی و تجزیه است. کل تمام سیاست جلوگیری از جنگ داخلی است فروپاشی سیاسی این است که تقسیم بشود کشور چه چیزی مانع تقسیم می‌شود در این پهنه سرزمین که اقوام مختلف هستند؟ زبان فارسی باعث شده اسن و ادبیات فارسی پشتوانه زبان فارسی است ادبیات فارسی، زبان فارسی را به زبان فراقومی تبدیل کرده است اگر ادبیات فارسی نبود زبان فارسی هم می‌توانست یک زبان قومی باشد.

چگونه است که... الان افغانستان بحران‌ش چیست زبان پشتو هرگز نمی‌تواند زبان ملت‌ساز باشد نمی‌خواهیم قضاوت ارزشی بکنیم در مورد زبان‌ها ولی زبانی است که فاقد ادبیات فاخر ملی را آن طرازی است که ادبیات فارسی واجد آن است و با آن می‌توان ملتی را برپا کرد و در کنار زدن و فقدان زبان فارسی دیدیم چه بلایی سرشان... سیاست‌های قبلی که حتی دولت‌های سکولار بودند که زبان فارسی را کنار زدند از درون آنها طالبانیست درآمد و این تحولات جدید افغانستان

پس وجه فراقومی زبان وابسته به ادبیات است که شما می‌بینید ناصر خسرو می‌گوید رفتم تبریز آنجا قطران تبریزی شعر فارسی می‌گفت، شهریار مصداق تام آن است به عنوان البته... خوب ادبیات فارسی در بستر خودش پیوند با ادبیات اقوام و ادبیات عامه طرح می‌تواند بکند قابل طرح هست در این بستر قرار دارد و این یک شعوری دارد و می‌تواند در عرض اینها نیست که در تعارض اینها قرار بگیرد

و نهایتاً اینکه که در کل جهان ایرانی و زیست جهان ایرانیان در پرتو ادبیات فارسی ممکن است این که ایرانی بودن تعریفی پیدا کند در واقع صرفاً به جغرافیای فرهنگی سرزمینی نیست عمدتاً به میانجی ادبیات و نه فقط زبان، زبان یک زیرساخت است یک ساختار صوری است، ادبیات به آن روح می‌دهد به ساختار زبان روح می‌دهد و در واقع خصایص فرهنگی را نهادینه می‌کند در واقع ایرانی بودن را در جهان ایرانی ممکن می‌کند. وقتی این تعلق خاطر سیاسی... بزرگترین بحران اجتماعی ما این است این تعلق خاطر اجتماعی به این واحد کلی ایران وقتی تقویت بشود همه شاخص‌های اجتماعی افزایش پیدا کند بهبود پیدا میکند

ببینید مثلاً بحث مهاجرت، شرایط اقتصادی را تا حدی می‌توانید کنترل کنید، نوسان دارد. عامل تعلق فرهنگی، تعلق اجتماعی به سرزمین به بوم و فرهنگ که عنصر پیوند دهنده‌اش ادبیات است وقتی افزایش پیدا می‌کند به صورت فراگیر در حوزه‌های مختلف بدون اینکه بفهمیم بدون اینکه حتی قابل رصد و شناسایی و اندازه‌گیری باشد در واقع وضعیت عمومی کشور در حوزه اجتماعی فرهنگی سیاسی حتی اقتصادی بهبود می‌دهد مسئله مهاجرت است، مسئله اخلاق عمومی که یکی از حوزه‌های مهم است که گفتیم همان وجه تبلیغی، بوطیقایی و ترویجی ادبیات است. اخلاق عمومی است، پایبندی به ارزشهای عمومی است، امکان گفت و

گوی عمومی است؛ امکان هم‌زبانی و هم‌زبانی و تفاهم عمومی است و اینکه در واقع ما گفتگوی ملی خودمان را... مثلاً مسئله پیش‌پاافتاده‌ای مثل اینکه شما بالاخره جلوی رسانه‌های معاند را نمی‌توانید بگیرید باید یک بازدارندگی از درون باید ایجاد کنید صدای آنها در آخر میرسد، شبکه‌های مهاند شبکه‌های اجتماعی و ... بالاخره صدایشان به داخل می‌رسد با فیلترینگ و ابزارهای پارازیت و غیره می‌توان مختل کرد اما بازدارندگی درونی باید ایجاد کرد و این از مسیر ادبیات ممکن می‌شود ادبیات خرد ملی ما را افزایش می‌دهد، شما همی باید بیاید استدلال کنید که حرف‌های بی‌ربط می‌زنند، غلط است، غلط بودن حرف‌ها را اثبات کنید دانه دانه یا ضدیت با ارزش‌هایی ملی مثل عفاف و حجاب ناموس غیرت و... که مفهیمی است که در ادبیات تعریف شده‌اند و قوام پیدا کرده است اگر اینها را در آن بستر تقویت کنید دیگر لازم نیست - شاید در شرایط خودش لازم باشد اما - یک جورایی بنیه فرهنگی جامعه و آسیب‌پذیری فرهنگی جامعه را در برابر تهاجم فرهنگ جهانی را بالا می‌برد.

این اصل بحث من است نهایتاً همان بحث اصلی که ایرانیان وقتی انگاره شان از خودشان ارتقا پیدا کند یعنی احساس سهم بودن در فرهنگ جهانی احساس می‌کنند این درجه تعلق بالا می‌رود این سهم بودن در فرهنگ جهانی نیز وجه مهمش همین است. موشک‌ها و به پهادهای ما ما مزیت نسبی ما نیستند می‌توانند بروند کار بکنند آنها نیز لازم است بدون آنها نیز شعر حافظ سعدی تبدیل به یک ترنم مخدر می‌تواند و این هم درست است اما فقط با موشک و پهپاد نمیشود در نظام جهانی احساس مشارکت داشت بعد از مردم خواست هزینه این ایستادگی در برابر نظام جهانی مقاومت فرهنگی و حرف داشتن در سطح نظام جهانی را پردازند. به مردم نمی‌شود گفت چون ما موشک داریم پس شما تحریم‌ها را تحمل کنید را اما می‌شود گفت ما می‌خواهیم سنت فرهنگی خودمان را حفظ کنیم ارزش‌های فرهنگی خودمان داشته و فرهنگ خودمان را حفظ کنیم و برای این باید بایستیم یعنی مقاومت ما در برابر نظام جهانی یک مقاومت زبانی، مقاومت فرهنگی است که وجه ادبی دارد و اینکه ما در جای خودش این تلاش‌ها را کرده‌ایم که بنیادهای حماسی ادب فارسی یا در واقع آن پایه‌هایی که از درون ادبیات فارسی می‌تواند ما را تجهیز کند در این مقاومت فرهنگی در برابر نظام جهانی را دریابیم و فهم کنیم. این مستلزم این است که خود حکمرانان به این

داشته‌ها و میراث مجهز باشند و سببل و نمادی از آن باشند و مردم وقتی آنها را می بینند در واقع آنها را نمایندگان شایسته این میراث فرهنگی و سنت ادبی بدانند و متأسفانه در حال حاضر اینگونه نیست. راه حل آن هم این است که بروند بخوانند حالا که سوادش را ندارند حالا که قبلاً نخوانده اند... البته این تصادفی نیست در رهبران عالی ما این را داریم اینکه انقلاب اسلامی ممکن شده است و تداوم پیدا کرده است این است که رهبران عالی جمهوری اسلامی نماینده این میراث فرهنگی و سنت ادبی هستند تصادفی نیست که امام خمینی و آقای خامنه ای هر دو شاعرند شعر می گویند و جزء سنت ادب فارسی اند فقط فقیه نیستند ما فقیه داریم کسی که فقط فقیه باشد نمی تواند نمایندگی این فرهنگ را... رهبر جامعه ای باشد که در واقع با فرهنگ و ادبیات زنده است جامعه ایرانی با فقه زنده نیست آنچه جامعه ایرانی با آن کار می کند... فقه هم با ادبیات زنده است فرهنگ عاشورایی و دینی ما با ادبیات و شعر عاشورایی زنده است باز این چه شورش است که درخلق عالم است. بماند که کلا سیاست گذاران و وزیران همیشه از طبقه دبیران می آمدند در قابوس نامه شما می بینید که اول دبیران بعد وزیران هستند. شخصیت سیاسی وزیر از میان دبیران انتخاب میشود، اهل ادب هستند که می آیند کار سیاسی می کنند. حالا این سابقه تاریخی ش است اما به طور کلیدر ایران به خصوص این وجه فرهنگی و ادبی سیاست خیلی ضروری و مهم است و جدا از امور کلان سیاست گذاران خود شخص سیاستمدار باید نمایندگی بکند اگر نمی تواند خودش را باید برود آماده کند و در گزینش افراد نیز این رعایت بشود و این در خطابه های سیاسی شان استفاده بکنند در خود شخصیت رئیس جمهور در خطابه های سیاسی شان استفاده بکنند، شعر بیاورند در خطابه های سیاسی شان نمایندگی بکنند این سنت فرهنگی را. بتوانند حرف بزنند. باید رویش کار کنند. خیلی مشخص دیگر جلسات ادبی داشته باشند/ اگر قبلاً وقتش را نگذاشته اند الان باید بگذارند.

مهدیار

همیشه به دوستان می گویم وضعیت ادبیات در ارشاد وضعیت بغرنجی است معاونت هایمان معاونت قالبی اند معاونت کتاب، معاونت سینمایی داریم، معاونت هنرهای تجسمی و

نمایش داریم از قضا چند تا جا داریم که محتوایی اند مانند شورای فرهنگ عمومی که مسئله‌ش ارتقاء فرهنگ عمومی است. در کتاب هر چیزی که بنویسند باید حمایت کنیم و کار کنیم ولی آنجا شورای فرهنگ عمومی مثلاً ادبیات در حد معاونت که نیست هیچ در حد مدیریت هم نیست هیچ یکی از مدیران معاونت فرهنگی یک دفتر دارد که آنجا ادبیات است و کارش در نهایت برگزاری نمایشگاه کتاب است نشان می‌دهد چقدر ما بی توجهیم در صورتی که همانطور که دکتر شهرستانی اشاره کردند شما می‌خواهید با سینما صحبت کنید، شما با سینماگران صحبت می‌کنید مهمترین مشکل سینما را چه می‌دانند؟ سناریو می‌دانند، کارگردان و بازیگرهای خوبی داریم در سطح جهانی اما سناریو نداریم و نمی‌توانیم... طرف پخش می‌کند داستان را نمی‌تواند جمع کند، پایانش را باز میگذارد این همه ما فیلم پایان بار و تکراری داریم.

هم اینجا یک کتابی داریم کتاب چهارجلدی است؛ حماسه‌های پهلوانی پس از شاهنامه مرحوم دکتر ذوالفقاری اینجا راجع به حماسه‌های پهلوانی پس از شاهنامه که خود شاهنامه وقتی می‌آید یک جبهه‌ای را باز می‌کند چقدر داستان‌های چیزی، جایی در دانشکده‌های هنر ما و سینمای ما ندارد یک بار را بشینند بخوانند.

صالحی

بسم الله الرحمن الرحيم معمولاً در این جلسه‌ها سعی می‌کنم یک شروعی یک حرفی بزنم که معمولاً حواسمان نیست در روزمرگی هامان شغل‌ها در زندگی ما غفلت‌های مختلف داریم یکی از غفلت‌هایمان غفلت از این است که ما یک امام زمانی داریم و ایشان واسطه همه فیوضات هستند و ایشان منبع معنا در عالم هستند و در این عالم که شیاطین دارند معانی شیطانی خودشان را منتشر می‌کنند ما چشم امیدمان به یک واسطه فیض است و حواسمان باید به واسطه فیض باشد و از ایشان باید مدد بگیریم و اگر حرفی می‌زنیم امید داشته باشیم دعای ایشان پشتوانه باشد که هم بخیر باشد حرف هم به تقوا نزدیک باشد هم موثر باشد و بالاخره

لبخند رضایتی مهیا کند ما همه غافل هستیم تعارف نداریم. این رو در جلسه‌ها سعی می‌کنم یادآوری بکنم با خودم و دوستان در مجامع ملی بسم الله گفتن تا مدت‌ها جرم بود.

ببینید بحث سیاستگذاری حوزه زبان و ادبیات از وجوه مختلفی باید به آن نگاه بشود؛ یک وجه علمی دارد که در جای خودش دکتر شهرستانی یک مقدمات نظری را گفتند من فکر می‌کنم ما باید پیشاپیش درباره فقه زبان و ادبیات یک فکری بکنیم، درباره الهیات زبان و ادبیات فکرش را بکنیم در این باره تا جایی که من میدانم کار جدی نشده است ما مسئله فقه زبان برای ما اصلاً مطرح نیست، فقه ادبیات برای ما مطرح نیست. همه ما با یک جامعه‌ای مواجه هستیم که می‌گوید خوب شعر مکروه است پس ولش کن دیگر؛ اینها دارند برای سیاستگذار تعیین تکلیف کند پیشاپیش آن را ما می‌دانیم همه دارند می‌گویند مولوی که صوفی است درویش است و سنی است و خدا رحمت کند علامه جعفری گفتند به ما می‌گفتند مثنوی کلا نجس است آن را با انبر بگیرد و در چاه بیاندازید، گفتم یک سوم آن تفسیر آیات قرآن است آن را چه کار کنیم.

در مورد فقه زبان و ادبیات باید کار بکنیم خیلی جدی است یعنی اگر حوزه وارد این عرصه نشود حالا حالاها مسئله خواهیم داشت حل نخواهد شد چنان که تاکنون حل نشده است. مسئله‌ای که ما در حوزه‌های مختلف فرهنگی داریم به خاطر این است که اول کار مسئله‌مان را با ادبیات در حوزه حل نکردیم بنابراین مسائل مان در موسیقی، سینما، هنر هم حل نخواهد شد اول بفهم کجای کار است. حتی اگر قائل باشیم شعر مکروه هست و به این جمع‌بندی برسیم بالاخره بعضی جاها باید بپذیریم من باب اکل میته باید فکری به حالش بکنیم. بپذیریم که اهل بیت به شاعر صله می‌دادند اهل بیت شاعر را تکریم می‌کردند. وقتی می‌گیم فقهش یعنی اینها در نیامده است. نمی‌دانیم وقتی که قرآن می‌گوید هر کسی را فرستادیم همه به لسان قوم هستند اصلاً نمی‌دانیم یعنی چه. این را مسیحی‌ها فهمیده‌اند و دانش زبان‌شناسی عملاً روی این پایه آنجا دارد رشد میکند و رشد کرده است. شما می‌دانید قوی‌ترین مرکز زبان‌شناسی جهان را کلیسا دارد در گویس‌شناسی، در لهجه‌شناسی و... مصاحبه مفصلی کرده‌ام انشالله به زودی منتشر می‌شود، آنجا سعی کرده‌ام اینها بعضی وجوهش را بگویم.

ببینید اصلاً حوزه باید یک تحولی در این ماجرا در آن شکل بگیرد هم در زبان خودش هم در ادبیات خودش. علمای قدیم خیلی اهمیت داشت برایشان. اغلب ادیب هستند، شاعر هستند به جز اینکه عارف هستند یا نیستند ولی ادیب هستند و ممکن است در زبان عربی ادیب نباشند ولی در زبان فارسی حتما ادیب هستند. بالاخره حافظه پر و پیمانی از اشعار و حکایت و داستان های مختلف دارند به تعبیری از توانش های زبانی، از امکان های زبانی بلدند استفاده کنند در آن درجه هنری ش، در آنجایی که اثرگذار است وقتی این تکلیف معلوم بشود بالاخره حوزه نیز باید یک پوست اندازه بکند. شما می دانید از مرحوم شهید مطهری بگیرید بیاید این طرف ایشان یک تأکید داشتند بر روی متون حوزوی و بعد از آن حضرت آقا مفصل سال‌هایی که قم مشرف می شدند در دیدار با علما اشاره داشتند که بالاخره فکری برای بازنگری متون حوزوی بکنید. چرا؟ چون متون حوزه بسیار دشوار است و این دشواری در متن خیلی جاهاست، نه در محتوا. حالا در سال‌های اخیر که شدیداً مجموعه های ادبی حوزه تضعیف شده است، اصلاً درس های ادبی در بسیاری از جاها در حوزه تعطیل شده است. اصولاً حوزه علمیه قم در زبان شناسی هیچ جایگاهی برای خودش در نظر نمی گیرد. حالا یک خرده اصول، بحث الفاظ را می خوانند مانند دلالت و... اما اینها در حد همان مباحثی است که احتمالاً یک دانشجوی زبان‌شناسی تا ترم ۲ همه آنها را خوانده است. و این را توسعه نمی دهند و اغلب نیز درباره معنای واژه و زبان شناسی تاریخی خیلی دارند کار می کنند و اصلاً خبر ندارند از این اتفاقات زبانی که هست بالتبع اتفاقات ادبی نیز مطلع نیستند.

اصولاً حوزه چرا باید این کار را بکند. اگر بیایم ببینیم خدا در قرآن می گوید پیامبر فرستادیم به لسان قوم. اگر می بینیم اولین حرفی که حضرت موسی (علیه السلام) به خداوند می زند این است که قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَأَحْلِلْ غَدَّةً مِّنْ لِّسَانِي بعد تقلیلش این است که حضرت موسی (علیه السلام) لکنت زبان داشته، اصلاً این نیست؛ یک وجهش شاید این باشد، قطعاً موسی به دنبال این است که خدایا مرا زبان آور کن. باز همه اتفاقات می بینیم زبانی است. تا که چکار کنیم؟ کَى نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا تازہ می گوید برای واحلل عقدتا بود برای این هم از تو می خواهم. تازہ مرحله‌ی دیگری که ندا می

رسد که برو با فرعون صحبت کن بقول لین با یم زبان... اصلاً همه اتفاقات زبانی هست
عرض می‌کنم این بحث خیلی دامنه‌دار است.

اگر این فضا را باز بکنیم و بعد ببینیم حالا یک نگاه تاریخی هم داشته باشیم بالاخره ۱۲۰۰
سال حداقل بار تشیع بر دوش ادبیات فارسی است. حداقل ادیبان رفتند زیر بار آن. ببینید
تاریخ ادبیات ما را مستشرقین نوشتند و بعد از آن بعضی از بهایی‌ها دست گرفتند و اینها
خواسته یا ناخواسته ادبیات شیعی را حذف کردند؛ دست کم پنج هزار منظومه شیعی شناسایی
کردند آقای دکتر بیات، اینها تازه شما در نظر بگیرید که از بین یک سوم فهرست‌های - یعنی
کل نسخه‌های خطی در ایران وجود دارد یک سومش فهرست شده است - از این یک سوم
۵۰۰۰ منظومه شیعی آمده است که اگر بنا باشد تاریخ ادبیات ما بر این مبنا باشد کل تاریخ
ادبیات تغییر می‌کند. شما ببینید عطار از برخی نقل‌ها هست که به جرم تشیع کشته شده است.
حمله مغولان را ول کنیم. حتی خود مولوی تعبیر مرحوم آقای قاضی اصلاً نمی‌شود شما به
ولایت امیرالمومنین و اهل بیت قائل نباشید و به این مقامات بتوانید برسید و این حرف‌ها را
بتوانیم بزیند. برخی نظرشان این است که تقیه می‌کردند بحث‌های دیگر است.

بالاخره سنی هم که باشد، باشد، اعتقادات ما نیست، درویش هم باشد، باشد بالاخره آمده
ایستاده است. یک کلمه‌ی مولوی درباره امیرالمومنین فکر می‌کنم کفایت می‌کند که می‌گوید
ای پس از سوء القضا حسن القضا هیچ کسی این چنین تعبیری ندارد.

آیت الله فاطمی نیا گفتند که جابر در زیارتی که رفته اربعین یک جمله‌ای گفته است می
گوید السلام علیک یا وارث آدم صفوه الله یا وارث علوم انبیاء الله بعد ایشان می‌گویند این
جمله نشانه تشیع این آدم است همین یک جمله برای اثبات تشیع او کافیست. این بحث‌ها
یک طرف است سر همین قصه ما هنوز کش و قوس داریم این‌ها مانع هستند رسماً مانعند و
بعد آن تشیع فقهی حالا آقای فیاض باید بعضی از این حرف‌ها را بگویند...

که اینها در تشیع حالا تقریباً بخشی فقهی که می‌آید که خیلی سخت و سفت می‌خواهند
ماجرای را ببینند به طور خاص در انجمن حجتیه و بعد دستگاه‌هایی که با انجمن حجتیه هستند
دقیقاً دارند مقابله می‌کنند، در مدارس که دارند مجموعه‌هایی که هستند، در مجموعه‌های
سیاستگذاری که حضور دارند، اصلاً با زبان و ادبیات مشکل دارند ادبیات نخوانند که یکدفعه

بروند مولوی بخوانند و در مدارس شان تشکیلات شان دارند این کار را می‌کنند و ببینید فقه این ماجرا اگر تعیین تکلیف شود خیلی از موانع برطرف می‌شود، مسیرهای بعدی هم گشوده می‌شود و تازه می‌فهمیم بسم الله الرحمن الرحیم ما باید دنبال این باشیم که ادیب تربیت بکنیم در حوزه نه اینکه کلاس‌های ادبیات را تعطیل کنیم نه اینکه لطافت ادبی را از بین ببریم و نه اینکه انجمن‌های ادبی در محاق بروند تا به اینجا نرسیم این اتفاق نمی‌افتد که ما بتوانیم اصلا در مورد سیاست گذاری در این طرف در حوزه سیاسی و حاکمیتی فکر کنیم.

دکتر فیاض

من بیشتر بحث‌های تئوریک دارم. ببینید ما یک فرمول داریم در رابطه دین و زبان؛ زبان به اضافه دین سبب می‌شود هویت فرهنگی شود نه ماهیت، هویت فرهنگی. متأسفانه توی غرب فقط ماهیت فرهنگی بحث می‌شود *identity* آن در واقع ماهیت است هویت نیست. مقوله هویت را هنوز در غرب ندیدم. که ماهیت در برابر هویت واقع بشود ولی هویتی که درون یک فرهنگ است یک اساس دارد: زبان به اضافه دین. اونایی که تکیه می‌کنند بر فقط دین میشود بنیادگرا که آقای دکتر صالحی توضیح دادند در مورد انجمن حجتیه و اینها یا داعش که می‌گوید زبانی غیر از زبان عربی شرک است حتی اگر کردی باشد سنی هم باشند شرک است. اینها باید زبانشان را قطع کند فقط باشند زبان عربی اینها فاندamental هستند.

اگر زبان تنها را بگوییم دین را قطع کنیم در فرهنگ میشود سکولاریسم آقای صالحی گفتند در رابطه با همین بحث که بحث خیلی عمیقی است که الان نگاه کنید تمام بهائیت و اینها همین بود که حالا قبلش دستور زبان نوشته شد توسط انگلیسی‌ها و فراماسون و بعدش هم آقای دهخدا و اینها و... که نمی‌خواهم وارد شوم، قصه است که چه قصه‌هایی رخ داد و اینها همان دوره بعد از مشروطیت فراماسونری بالاخره هویت فراماسونی مشروطه و اینها که خیلی واضح است و متأسفانه نمی‌خواهیم بحث کنیم، در لفافه گذاشتم تا یک روز سر بلند کند مجبور بشیم خلاصه دوباره وارد نقد بشویم چون ما کارمان این است که همه چی مخفی کنیم سر آن را بپوشانیم و آخرش می‌زند بالا و قصه اینطوری می‌شود. که کل تقریبا می‌شود

گفت بهائیت و فراماسونری آن هویت زبان بدون مذهب را مطرح کردند تا برسانند به جایی که مذهب بهایی به عنوان یک مذهب صوفی بشود مذهب رسمی ایران. در انجمن ایالتی کل بحث انقلاب ما این بود در ۱۵ خرداد که آنها می گفتند باید مذهب رسمی شود مثل کتاب مقدس یک کتاب بهائیت بیارند وسط و همان قضیه که در سیکها در هند شده است کتاب مقدس و غیره را بیاورند وسط که خب امام متوجه شد و ایستاد (۵۸:۰۱ تا ۵۸:۰۴) نبود که حالا امام بخواهد آن را بحث کند.

خوب بعد از انقلاب چه اتفاق افتاد مذهب شد مروج زبان فارسی در داخل و خارج زبان - که آقای دکتر صالحی نیز به آخرش رسیدم - زبان فارسی شد زبان انقلاب زبان تشیع در جهان امروز و شما الان می بینید کاری که حوزه علمیه کرده در سطح جهان در رابطه با زبان فارسی اصلاً قابل محاسبه نیست وقتی که وارد لبنان می شوید حزب الله لبنان بچه هایشان فارسی صحبت کنند با زبان قومی شوکه می شوید.

مادر ان بین دهلی نو و علیگرد بچه های نوجوان هندی دم در پله هایی که باید می رفتیم بالا با لهجه تهرانی به ما خوش آمد می گفتند در ۱۲ ۱۳ سالگی یا پدران ایرانی که آنجا بودند پسر هنوز ایران را ندیده بود در عمرش ولی به لهجه همین تهرانی داشت حرف فارسی میزد در تمام تایلند من رفتم تایلند صحبت کردم با شیعه ها همانجا زبان فارسی سلیس. جامعه المصطفی با آن قدر خدمت کرده به زبان فارسی چون آدم هایی که آنها هستند با یک عشق زبان فارسی یاد می گیرند انگار داره زبان قرآن یاد می گیرند انگار زبان مذهبش کشی هست را دارند می گیرد با همان عشق نشان دهنده دارند با زبان فارسی یاد می دهند.

حتی من شاگرد داشتم از کرواسی که مسلمانان اهل سنت بودند دوتا پسر داشتن یکی پسر یکی دختر یکی احمد، زهرا آخر که آمدم و خداحافظ کردن گفت ما باید برویم گفتم چرا گفت الان گوش کن با کرواسی با بچه هایش صحبت می کرد آنها فارسی جواب می دهند.

الان نیجریه بچه هایی که اهل نیجریه در دانشکده علوم اجتماعی هستند آنچنان فارسی صحبت می کنند عشق دارند به آن دینی که دارند جالب است مذهب بیاید ذیل زبان واقع بشود در انقلاب اسلامی این است مذهب تشیع شده سبب گسترش زبان فارسی یعنی چه شده یعنی به عبارت دیگر مذهب تشیع سبب شده زبان میانجی در منطقه و در جهان، فارسی بشود.

دوباره تکرار می‌کنم مذهب تشیع باعث شده زبان فارسی زبان میانجی خاورمیانه و جهانی بشود.

شما الان در عراق که انقدر زبان فارسی است که دارند یاد می‌گیرند در کردستان عراق دارند یاد می‌گیرند شب سر سفره غذا در موزه می‌پاکستان وزیر فرهنگ - این که می‌گویم برای دوره اول احمدی‌نژاد است - آنجا نشسته بودیم با وزیر وقت ارشاد آقای صفارهرندی وزیر فرهنگ پاکستان گفت زبان اردو یک زبانه مزخرف است که انگلیسی‌ها به ما تحمیل کردند ما برای ایجاد هویت فرهنگی در پاکستان باید به زبان فارسی برگردیم. باورتان میشود؟ آنها حاضر نیستند اردو را زبان ملی‌شان بدانند می‌گویند باید به فارسی برگردیم. بهتر می‌دانید که سرود ملی پاکستان دارد فارسی خوانده میشود. در ترانه‌ها سوار ماشین بودم ترانه‌هایی که پخش می‌شدند در ماشین‌ها پرسیدم چه کسانی هستند؟ گفتند اینها پاکستانی‌اند که ترانه فارسی می‌خوانند و برای ما می‌آید.

این زبان میانجی خیلی بحث جدید است اما هیچ برنامه ریزی جدیدی نداریم. شما ببینید ما درعلیگر رفته بودیم فیلم‌های برای دوره شاه گذاشته بودند برای زبان فارسی و این سازمان فرهنگ و ارتباطات خائن هستند اینها بدترین خیانت‌ها را به این مملکت کردند و به زبان کردند. هرجایی رفتم این را دیدک از سفیران تا رایزنان فرهنگی غرب زده‌اند.

یک جمله‌ای داشتم نشد جلسه قبل بگویم. همان موقع توی هند رایزن فرهنگی ما حرف زدم پرسیدم به او، کاظم جلالی که الان سفیر ایران در روسیه است گفت چرا برجک‌زنی می‌کنی. رسیدیم وسط هند که قبر قاضی نورالدین شوشتری که شهید ثالث به او می‌گویند آنجا محسن الویری آخوند، تاریخدان گفت فیاض میشه آن جمله‌ای که در دهلی‌نو گفتمی بگویی، می‌دانی وضعیت آنجا چه خبر است؟ اصلا ضد زبان فارسی‌ترین رایزنان فرهنگی هستند ضد فارسی‌ترین سفیر است. که من نمی‌خواهم بگویم که چه فسق و فجوری دارند در این قصه، حتما نباید فسق و فجور اخلاقی و جنسی باشد، فسق و فجور ... همین فرهنگ ایرانی

شما نگاه کنید ما از دوره رضاشاه در هند هیچ کار فرهنگی برای زبان فارسی نکرده‌ایم از دوره رضا شاه، علی اصغر حکمت. رفتیم توی رایزن فرهنگی هر کاری که کتابخوانه دیدیم آنها بود.

فیلم سینمایی حالا حتما در اینترنت رفته است خود هندی ها دارند دانلود می کنند یعنی پیشرفتی و بی شرافتی ما منجر شده اینترنت فعلا اروپایی ها برای زبان فارسی.

اتفاقاً الان نه هویت دینی داریم آن هویت دینی که دارد زبان فارسی را در جهان پخش می کند. نه هویت ملی حتی زبان داریم در سیاست خارجی مان در قصه ترکیه تا توی همین ها که داریم می بینیم. به احتمال ۹۰ درصد روسیه می آید برای زبان فارسی. حاضرم اثبات کنم در این قصه در آینده یکی زبان آلمانی در آن تقویت خواهد شد به دلایلی که خیلی هم عمیق است، یکی هم زبان فارسی در روسیه قوی خواهد شد. به خاطر اینکه این ها استراتژی ملی شان است و آن موقع ازدواج میان ایران ها و روس ها شکل می گیرد. در چین هم نیز همین است اگر آینده نگری داشته باشیم آینده در چین زبان فارسی به شدت گسترش پیدا میکند. کارگران که رفتند ژاپن آنجا ازدواج کردند آنجا زبان فارسی دارد پخش می شود. باور می کنید؟

میراث فرهنگی ها و رایزن فرهنگی ها نیستند، اینها خودشانند. فرودگاه تهران دیدم یک پسری جلوی من حرکت می کند نفهمیدم ایرانی است، ژاپنی است یا ... تعجب کردم از پشت سر دیدم کسی گفت پسر من است پر من است. مادرش ژاپنی است و قسمت خانم هاست چون ما در بازرسی بودیم. بعد دیدم پشت سر هم زیبایی فرهنگی بدنی ایرانی پیدا کرده چشم های بادامی اش درشت شده و خلاصه زیبا شده یعنی اینها تمام زبان فارسی بلد هستند همه آنها. یکی از مواردی که متأسفانه آن هم روی آن فکر نکرده ایم ازدواج های بین المللی است که به شدت دارد زبان فارسی را پخش می کند. (خاطره) نوجوانانی که در پاریس به زبان فارسی صحبت می کردند.

؟؟ هیچ کاری نمی کندها، اینکه بیاید شبی دعوت کند یک موسیقی دان بیاید بخواند

و زبان فارسی بچه‌ها تقویت بشود، اصلا این خبرها نیست.

مهدیار

بحث ما این است که خب همه ملاحظاتی که شما فرمودید و خاطرات و امکان‌هایی که ما داریم در داخل چطور میتوانیم از آن استفاده کنیم چه اقتضائاتی را برای استفاده از این منبع غنی فرهنگی برای آن چیزی که گفته می‌شود سرمایه اجتماعی در ایران تضعیف شده است، انسجام اجتماعی تضعیف شده چطور می‌توانیم از این زبان و ادبیات استفاده کنیم برای حل یا ترمیم این شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی.

فیاض

ما ۳۰ حوزه داریم سی حوزه زبان فرهنگی در ایران داریم. آقای دکتر آزاد ارمکی این را کار کرده است. که ان شاء الله این کار را انجام دهید.

یک بحثی وجود دارد برای همین لهجه‌ها. احساسات زبان ترکی که می‌آید در زبان فارسی شهریار برای ما تولید می‌کند بی نهایت است یا مختصات آهنگینی که در زبان عربی در خوزستان دارد وارد میشود به زبان فارسی و شرح زبان فارسی زبان فارسی را غنی می‌کند و شعرهایش و اینها. تهش هم بر فرض یک؟؟ در می‌آید که اشعار آقای کویتی‌پور را می‌گوید و ... یک معجونی است.

اولین مشکلی که ما داریم این است که داریم به شدت با موسیقی مخالفت می‌کنیم. موسیقی است که زبان را در یک کشور به شدت جلو می‌برد. یک وقتی بحث شد چرا شجریان که خودش مشهدی است شعر فردوسی نخواند. ما هنوز نتوانستیم موسیقی برای فردوسی درست کنیم. غیر شعرهای حماسی و نقالی هیچ بسازیم. الان مشکلات ما اینهاست. حتی چقدر اپرا درست کردیم در ارتباط با آقای فردوسی و بقیه‌ش که بیای زبان فارسی را درست کنیم. چون موسیقی را داریم نابود می‌کنیم - یک مصاحبه کردم با همشهری در مورد موسیقی - اگر موسیقی را ترمیم کنیم این قصه بیشتر زبان فارسی بسط پیدا می‌کند. من الان می‌بینم هم‌سن من دارد هم فارسی گوش می‌دهد هم ترکی گوش می‌کند. موسیقی عرض

می‌کنم، اینطوری این گره‌های بین‌زبانی در تهران دارد درست می‌شود. یکی از مهمترین بحث‌هایی که ما داریم.

یکی از مباحث مهمی که داریم این توریسم درون ایرانی است. توریسم بیشتر باید در کردستان برود همیشه هم نباید قاچاق برود برای بانه بقیه، برای تفریح برود و... هر چقدر هتل مثلا در کردستان بزیم این زبان میانجی بیشتر روح پیدا می‌کند. مثلا در سامرا هتل ایرانی نداریم. زبان فارسی در آنجا... در این سفرهای زیارتی عراق به شدت دارد زبان فارسی را بسط می‌دهد. در داخل هم همین است، فکر کنید مردم چه دیدی از بندر عباس دارند؟ از کردستان برود بندرعباس و...

این فرهنگستان سعدی فرهنگستان فارسی، بنیاد سعدی و... از این سیاق‌ها در بیاد. یکی از گره‌های این است. چهارتا باسواد، این قدر دکتری زبان فارسی داریم، بچه‌های متفکر.

الان یک بحث، اگر بخواهید تصمیم بگیرید همین رشته ارتباطات دانشکده تهران چه ربطی به ادبیات فارسی دارد؟ هیچی. آیا زبان‌شناسی فارسی در ارتباطات بحث می‌شود؟ ترم قبل مردم‌شناسی ادبیات درس دادم اما مردم‌شناسی زبان فارسی درس ندادیم. هنوز نه در مردم‌شناسی نه در جامعه‌شناسی نه در ارتباطات زبان فارسی بحث نکرده‌ایم. بحث‌هایی که آقای صالحی داشتند بحث‌های خیلی مهمی بود. بعد جامعه‌شناسی زبان فارسی الان شما همین الان می‌توانید به رئیس جمهور دستور بدهید بایستی در علوم انسانی ارتباط رشته‌های مختلف با زبان فارسی یاد گرفته شود. روانشناسی زبان فارسی. همین امروز که کتاب‌های نمایشگاهی بدستم رسید چقدر روانشناسی زبان و فرهنگ کار کردن اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها. یعنی الان باید تمام همه رشته‌های مربوط به این قصه‌اند، توی خود رشته برود. یعنی حتی رشته ادبیات فارسی باید مردم‌شناسی زبان ترسیم کنیم. یکی از مشکلاتی که داریم خود ادبیات فارسی است، شعر خوانی می‌کنند و به به و چه چه، بحث عمیقی در مورد زبان فارسی نیست، اگر هم باشد مستشرقینی است یعنی بازتولید شرق. کاری که ما باید بکنیم... دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه تهران رفته‌اید ببینید چه مصیبتی است؟ اینها را یکی باید برود آنجا کار کند. الان تاریخ زبان فارسی چند تا کتاب داریم؟ اینقدر ادعا می‌کنیم؟ چقدر می‌خوانند بچه‌ها؟ خیلی کم اصلا نمی‌توانند اینها بفهمند.

به رئیس جمهور بگویید که تمام رشته های علوم انسانی باید زبان فارسی یک جوری داخل آن بیاید مثلاً یک درسی داشته باشند در پزشکی مثلاً زبان فارسی و پزشکی. یک زبان فارسی بخوانند مثلاً تاریخ پزشکی به زبان فارسی و اطلاعاتش، فرهنگستان علوم باید این کار را انجام دهد. وقتی به زبان فارسی بخوانند به جای اینکه اینقدر غرب گرا باشند... الان چقدر بچه های علوم پزشکی می روند کارهای ابوعلی سینا را به زبان فارسی متن خوانی کنند؟ هیچی. این کار را بکنید زبان فارسی در پزشکی هم می رود. مهندسی نیز همینطور. باید متن های فارسی نوشته بشود برای علوم پایه که آن را بخوانند. فرهنگستان هیچکدام از این کارها را انجام نداده است. ماهی از سر گنده گردد نی ز دم. مشکل ما در فرهنگستان علوم است، فرهنگستان آگاهانه یا ناآگاهانه... فرهنگستان اگر به فردوسی رجوع می کردند به جای فرهنگستان می گفتند سخن گاه، حتی به فردوسی رجوع نمی کنید که اسم فرهنگستان را بگذارید سخن گاه، سخنرانی بشود آخرین بحث ها ارائه می شود. نه اینکه اسم اضافه کنی و مردم آن را استفاده نمی کنند. اینها را اگر باز کنی خود کلمه فارسی کم کلمه ندارد.

جمع بندی: ۱. بحث اول زبان میانجی بود. الان اقوام ایرانی زبان فارسی است هیچ اجباری هم نبوده است، آذری خودش فارسی یاد می گیرد. مردم آذربایجان می دانند اگر بخواهند در فرهنگ خودشان به جایی برسند باید زبان فارسی یاد بگیرند. در ترکیه به شدت دارند فارسی یاد می گیرند. این زبان میانجی هم درونی و هم بیرونی است.

۲. فرهنگستان ها به شدت وارد بشوند و این هویت فارسی در کل رشته هایی که وجود دارند انجام دهند اگر می خواهند هویت دانشگاه درست بشود.

۳. زبان باید با هنر قاطی بشود. با هنر قاطی بشود، بشود موسیقی و جدی گرفته بشود.

۴. اگر زبان ها را درک کنیم در غرب که ببینیم چه خبر است، چرا کلمه تایم به شدت تکرار می شود چرا که ایرانی ها به شدت به مفهوم زمان غربی رو به رو هستند. این نکته مهمی است. اوکی و تایم زیاد تکرار می شود، چون زبان ما از لحاظ فرهنگی دارد به غرب نزدیک می شود پس اصطلاحش هم شبیه اوست.

در امر جنسی داریم به غرب نزدیک می‌شویم، زبان و کلمات غربی نیز در این بحث تکرار می‌شود. فرهنگ غربی و معنای غربی که می‌آید زبان آن نیز به همراهش می‌آید. تکنولوژی، در تمام دنیا خود کلمه آن ابزار وارد می‌شود یعنی موبایل را نمی‌توان تلفن همراه کرد مردم نیز می‌گویند موبایل. یکی از مشکلاتی که داریم می‌جنگیم در قصه‌ی تکنولوژی و پزشکی و علوم پایه و تجربی است، کلمه‌ای می‌آید و زبان را بسط می‌دهد. نمی‌شود جعل کرد و کار بیخودی دارند انجام می‌دهند.

یکی از کارهای که باید باشد کاربرد زبان فارسی در نقاط مختلف ایران است، مطالعات میدانی زبان فارسی است؛ مردم چگونه روی آن کار می‌کنند در آذربایجان، در کردستان و... چه کار دارند می‌کنند؟ خود لهجه‌های متفاوت زبان فارسی زیبایی‌هایی برای زبان فارسی رقم می‌زند.

صالحی

در بحث سیاست‌گذاری در حوزه زبان که یکی از زیرشاخه‌های حوزه زبان شناسی است و بحث برنامه ریزی زبان است بالاتر از آن سیاست‌گذاری بالاتر از آن آینده پژوهی است. ما در هیچ کدام از آنها هیچ کاری نکرده ایم. اولین کاری که باید صورت بگیرد این است که بسم الله الرحمن الرحیم رشته زبان شناسی یا آدم دارد یا تربیت کند یا برود ترجمه کند درباره آینده پژوهی در حوزه زبان و همین طور رشته آینده پژوهی درباره سیاست‌گذاری در حوزه زبان و درباره برنامه‌ریزی در حوزه زبان بیاید محتوا تولید کند. فقط خانم دکتر داوری اردکانی دو کتاب در آورده است آن هم نشر ساقی چاپ کرده است چرا چون نشرهای دیگر استادهایی که بالای سر نشرهای دیگر هستند جلو می‌گیرند از این قصه. باید حاکمیت بیاید از حوزه زبان‌شناسی مطالبه کند اینها را بکشاند به میدان کاری که ما حالا در دفتر پاسداشت ناظر به ناآرامی‌های اخیر ۱۲ نشستی که برگزار کردیم هویت زبانی ناآرامی در واقع جدا دنبال این بودیم که در بیاد از لحاظ زبانی تو چه تحلیلی می‌توانی ارائه بدهی حاکمیت از این رشته‌های زبان و ادبیات هیچ مطالبه ای ندارد.

در سه حوزه باید سیاست گذاری کنیم دست کم. سیاستگذاری آموزشی، سیاست گذاری پیکره و سیاستگذاری شأن است. ان شاء الله یک جلسه خانم دکتر داوری اردکانی را دعوت کنید مفصل درباره هر کدام را توضیح دهند متخصص هستند. درباره هر کدام اینها هزار و یک ضعف و مسئله و هزار و یک کار نکرده و هزار و یک میدان فراخ داریم که تمام بچه های زبان و ادبیات را به میدان بیاوریم هنوز جا هست کار انجام دهند. در این حوزه باید بیاییم فکر کنیم.

سیاستگذاری شأن یعنی چه یعنی آدمها حداقل افتخار کنند به این که زبانشان فارسی است و ادبیات فارسی بلدند، ممکن است زبان های دیگر را بلد باشد اما این ارزش بشود. ما چهار سال است داریم در جشنواره فیلم فجر جایزه زبان فارسی می دهیم با یک پژوهش دو ساله ای که انجام شده است حالا فارغ از اینکه چه سنگ هایی انداختند، یک شال اجازه ندادند وارد جشنواره شویم. یک قول دادند پارسال تا کار انجام بشود گفتند حق الزحمه به داورها می دهند آنهم انجام ندادند. ما بیرون آمدیم برویم جای دیگر خودمان کار را انجام دهیم. پارسال در یک برنامه رادیویی یکی از مجریها گفته بود یکی از این جایزه های لوسی که در این چند سال آمده است جایزه زبان فارسی در سینما است. این آدم حرفش مهم نیست و بماند که در یک برنامه رادیویی تلویزیون بحث را وسط انداخت و با بی تربیتی جلسه را جمع کرد کاری ندارم. عرضم این است یه چیزی که اتفاقاً باید مبنا می بوده است الان تبدیل شده است به یک امر فانتزی، امر جانبی که مثلاً یک جایی مثل شورای فرهنگ عمومی نمی تواند از آن دفاع کنید و مجری برنامه تلویزیون و رادیو می گوید جایزه لوسی است. یعنی چه؟ یعنی زبان فارسی هیچ جایگاهی ندارد از این نظر که من حاضرم ۱۰۰ میلیون پول بدهم بروم آیلتس بگیرم اما حاضر نیستم ۱۰ هزار تومان پول ماشین بدهم بروم شب شعر بنشینم یا ۵۰ هزار تومان بدهم دوره های گفتاورد که می گذارد در آن شرکت کنم. جایگاه ندارد. جایگاه سازی خودش مهم است جایگاه فردی قرار است داشته باشد، جایگاه اجتماعی قرار است داشته باشد جایگاه اقتصادی و علمی قرار است باشد.

ما اصلاً چیزی به نام زبان فارسی، زبان علمی نداریم. آن بزرگواری که ایشان برایشان آرزوهای خوب کردند اصلاً قائل به این نیستند که زبان فارسی زبان علم یعنی چه؟ یعنی تو

پیکره باید داشته باشی تو گفتمان زبان شناسی علمی‌ات در هر رشته باید مشخص شده باشد تو تمام رشته های علوم انسانی‌ات را بر مبنای زبان باید بازنگری کرده باشی چگونه است در فرانسه می‌گویند ادبیات و تاریخ، ادبیات و جامعه شناسی، ادبیات و فلسفه نقطه عزیمت را آن در نظر گرفته‌اند، تازه آن ادبیاتی که آنجا هست و بعد ما اینجا در رشته ادبیات‌مان نقد ادبی اصلاً نداریم رشته داستان‌نویسی نداریم.

بار زبان فارسی در عرصه عمومی در فضای مجازی به دوش محتوا نویس‌هاست کسانی که به تعبیری دارند **content** تولید می‌کنند، محتوای سایت و شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ تولید می‌کند این شغل است، در دنیا شغل است، در ایران گران‌ترین شغل است اصلاً آدمش نیست. شما باور نمی‌کنید کسب و کارها زنگ می‌زنند می‌پرسند کسی را داری معرفی کنی بیاید اینجا و در اینستاگرام «درست» مطلب بنویسد؛ حالا درست هم که می‌گوید یعنی جمله‌ها را مرتب بنویسد و غلط نداشته باشد یعنی هنوز نمی‌داند گفتمان اینستاگرامی که من باید هویت کلامی امسال، برند من باشد چیست؟ ما دو سال آمدم جایزه زبان فارسی در کسب و کارها را پیش بردیم الحمدالله هیچکس هم حمایت نکرد و جشنواره را نیز نتوانست ادامه دهیم.

من فکر می‌کنم آینده مطلوبی که از لحاظ ادبیاتی باید برای جامعه خودمان ببینیم این است که ما باید مواجه بشویم با یک جامعه ادیب. جامعه ادیب یعنی چی؟ این سناریو هم ممکن است، قطعاً ممکن است اگر برنامه‌ریزی برایش بکنیم، باید جزو مطلوبیت‌ها باشد. جامعه ادیب یعنی جامعه‌ای که به جز اینکه زبان را بلد است از توانش‌های زبانی هم بهره‌مند است و می‌تواند خلاقیت زبانی پیدا کند. اگر ما به این جامعه ادیب برسیم. لزوماً شعر نیست، یک پیامک می‌خواهد بزند ادیبانه پیامک بزند خلاقانه پیامک بزند. فرسته اینستاگرامی ... یک مقاله علمی پژوهشی می‌خواهد بنویسد اگر اسیر این چارچوب‌های پوزیتیویستی منحنی که در دانشگاه است حتی اگر در این زندان اسیر است ولی باز لطیف باشد بعضی استاد‌های ادیبان اینگونه دارند مقاله می‌نویسند. آدم می‌خواند احساس می‌کند روحش تجلی پیدا می‌کند. این جامعه ادیب را باید برایش فکر کنیم. فرهنگ و تمدن ایرانی تمام تلاشش این بوده است که جامعه ادیب دارد کند در نقاشی در معماری است. حالا شما ببینید اینجا پژوهشگاه استاندارد حوزه هنری است ببینید چقدر جلوه ادبی ما اینجا داریم؟ مقایسه کنید با دوره ای که یک در

می خواستند در حرم امام رضا جابجا کند شاعران شعر می گفتند درباره این در و بهترین شعر انتخاب می شد. حالا درباره روضه مقدسه شعر چگونه بگویند برای صحن چگونه بگویند. الان صحن میسازیم در حرم امام رضا یک خط رویش نیست، خط فارسی دارد حذف می شود.

اوضاعی که همه دارند توی گوشه می نویسند زبان فارسی حذف شده است، ارشاد پشت سر چه کسی ایستاده است؟ پشت سر انجمن خوشنویسان ایران که هنوز می گوید قلم دوات بردار بیار و بیست سال برو بیا تا شاید چیزی گیرت بیاید. بعد انجمن خوشنویسان نوین ایران آمده که من در جلسات دفاع کردم در شورای انقلاب فرهنگی، دفتر معاون وزیر. می گویم آمده است می گوید شما ۵۰۰ سال با قلم سر تخت مینویسید من می گویم با قلم سر گرد الان مردم خودکار ماژیک دستشان است اگر راست میگویند این را خوشنویس کنید. یک ساله خوشنویس تربیت می کند. سنگی نبود که بر سر اینها نکوبیده باشند در این ۲۰ سال. آقای دکتر سالاری که خیلی تحویل گرفتند ولی در ساختار کار گیر کرد. یکی از وزرای قبلی گفته بود اگر رئیس انجمن از این دریاد من از آن در بیرون میروم. خط اصلا مبنای بروز زبان در عرصه عمومی است، در عرصه شخصی است. شما نامه هایشان را ببینید، آیین نامه را ببینید یکساله استاد تربیت می کنند. در صورتی که در انجمن خوشنویسان حداقل ۵ سال باید برویم بیاییم تا به جایی برسیم. اینها افراد بی ریشه ای نیز نیستند همه شاگردان امیرخانی و اینها بودند خود آقای غلامرضا پور سالها دبیر انجمن خوشنویسان بود.

اول جامعه ادیب را ببینیم بعد جامعه ی نویسا را ببینیم جامعه ای که می نویسد. ما به شدت شفاهی شده ایم به نظر می رسد در دنیای امروز تمدن شفاهی تمدنی است که قطعاً از بین خواهد رفت مگر اینکه اتفاقات دیگری در آن بیفتد. ما نمی نویسیم استاد دانشگاه ما نمی نویسد. بلد نیستیم. آموزش نمی دهیم. چرا بازار پایان نویسی و مقاله نویسی داغ است الان ما دانشجوی خارجی هم که میگیریم از کشورهای دیگر پایان نامه شان را خودمان داریم می نویسیم. دلار هم می آورند. بدترین اتفاقی که دارد می افتد، جزو خیانت هایی است که دارد اتفاق می افتد دانشگاه آزاد ۳۰ هزار دانشجو از کشورهای عربی گرفته است یک ترم برای اینها زبان فارسی نمی گذارد. هیچ بلد نیستند دکتری، فوق لیسانس می گیرند یک کلمه فارسی بلد نیستند حرف بزنند چه برسد به اینکه بنویسد.

ما برای باید جامعه نویسا تربیت کنیم حدود ۲۰ سال پیش آمریکا در حوزه فرهنگ و آموزش دیدند اینها یک جامعه آزاد دارند از نظر فرهنگی یکی از مسائلی که پیش روی آنها خواهد بود ابتدال خواهد بود. مسئله فرهنگ بالاخره ابتدال در جامعه پست مدرن بالاخره چون دلش می خواهد همه ریشه ها را بزند، یکی از آفت های آن ممکن است ابتدال باشد. چه کار کنیم در مقابله با این ابتدال؛ یک برنامه ریزی در آموزش و پرورش کردند، خیلی مفصل است. یکی از کارهایی که انجام دادند این بود که آدم ها را جوری تربیت کنیم که بتوانند بنویسند. من کتاب هایش را دارم.

از مهد کودک دارند بچه ها را نویسند خلاق بار می آورند. کتاب درسی دارد هم برای معلم هم برای پدر و مادر. بعد در دوره های تحصیلی اگر کسی بخواهد ارتقا پیدا کند اول نمره انشاء او را می بینند. مقایسه کنید با ایران که در دوره ای در دوره آقای احمدی نژاد انشا تعطیل شد. خدا رحمت کند آقای ذوالفقاری ۳ جلد کتاب انشا تولید کردند در دوره ای که می خواستند انشا را جا بیندازند.

بیاییم جامعه نویسا تربیت کنیم. آدمی که بنویسد، یکی از چیزهایی که آنجا آموزش می دهند روزنوشت است، تلاش می کنند آدم ها روز نوشت داشته باشند. این آدم آهسته آهسته مجبور می شود اخلاقی باشد، مجبور می شود متمدن باشد، رشد کند، مجبور میشود به زندگی معنا بدهد و معنا بسازد برای زندگی و همه اتفاقات را سعی می کند در این فرآیند پیش ببرد.

جلوه های زبان و ادبیات در هنر کاملاً محو است. عرض بکنم بعد از سال ها بعد از هزار دستان امسال یک فیلم در جشنواره فجر آمد، فیلم ۷ بهاررنج که میبینید در آن قلم دوات هست و تابلو خوشنویسی به دیوار آن شخصیت استاد دانشگاه است، شعر کهن...

بحث فرهنگ عامه را اصلاً به آن اعتنا نمی کنیم که خیلی اهمیت دارد؛ گویش و لهجه ها که اصلاً خیلی هایشان شناسنامه هایشان و جزئیات شان در نیامده است. همه شان اطلاعات مداوم داشته باشند. الان که فضای مجازی آمده اتفاقاً خیلی راحت تر می توانیم این کار را انجام دهیم با ابزار های فناوری های جدید. موانعی هم که هست این قصه های قومیتی، تقابل های

زبانی. تعامل زبانی، تقابل زبانی و تماس زبانی داریم. با عرب‌ها رفت و آمد داریم، تماس زبانی پیدا می‌کنیم ما تعامل زبانی داریم یعنی با آذری زبان‌ها تعامل داریم. ببینید آذری‌ها شاعر الی ماشالله از قبل از دوره عثمانی تمام شاعران از جمله مولوی از شرق تمدن ایرانی به غرب تمدن ایران کوچ می‌کنند می‌روند در منطقه عثمانی. دوره‌ای که سلجوقیان است آنجا تعامل زبانی پیدا می‌کنیم.

استعمار دنبال محو زبان است دیگر و الان در سیاستگذاری هایشان دارند اینطوری پیش می‌رود یکی از مسیرهایی که دارند انجام می‌دهند در حوزه آذربایجان به شدت دنبال این هستند اصلاً ایده زبان ترکی که در دوره آتاتورک شکل می‌گیرد یک ایده صهیونیستی هست و این ایده الان در ماجرای تجزیه ایران قشنگ در اندیشکده هایشان دارند در آن کار می‌کند و ماجرای نفوذ خیلی جدی است و می‌بینیم با کسانی مواجه هستیم که بچه حزب‌اللهی مدافع نظام، مدافع رهبری ولی در ماجرای آذربایجان و ارمنستان همه راه را گم می‌کنند امام جمعه یکجور، مداح یکجور.

و بعد شدیداً آن جا در ارومیه در اردبیل مبارزه با زبان فارسی است. هر کسی میاید کار انجام دهد برای سعدی برای فردوسی این را سریع برچسب پان ایرانیسم میزنند نهاد‌های امنیتی حذفش میکنند. نمونه داریم در ایران آمده است کار بکند بلایی سرش آوردن که از حیز انتفاع ساقط شد و بعد بیاییم چه کار بکنیم؟ حالا مسیر مقابل خیلی خنده دار است فضولی بغدادی را بیاییم تبلیغ کنیم یک شاعر درجه چهار و پنج این حرف‌ها را بزنند نشست بگذارند حرف بزنند و بعد سعدی نه حافظ نه فردوسی نه.

مطلب دیگر ترجمه از و به فارسی است. بحث کتابخوان کردن مردم یک بحث مهم است و استفاده از فناوری‌ها در حوزه زبان و ادبیات فارسی. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بخشی داشته است در حوزه فناوری حوزه زبان که این زمان آقای ستاری حذف شده است تمام مستندات آن هم احاطه شده است. معاونت فناوری وزارت ارتباطات کارگروهی داشته از زمان آقای خاتمی که آقای جهانگرد تاسیس کرده، کارگروه خط و زبان فارسی که سالانه بودجه‌های کلانی هم داشتند که برای زیرساخت زبان و ادبیات فارسی بوده است این هم تا جایی که اطلاع دارم در وزارت ارتباطات در پایان دولت قبل منحل شده است و هنوز

هم ادامه دارد مکاتبات ما نیز به جایی نرسیده است مطالبه کردیم که این را برگردانیم. تنها جایی که حالا حداقل ۵-۶ سال ما دوندگی کردیم که یک مجوز بگیریم برای راه‌اندازی شتابدهنده در حوزه زبان و ادبیات فارسی و محتوا. اصلاً کسی نمیداند یعنی چی حالا ما رفتیم دفاع کردیم از آقای ستاری مجوز گرفتیم. ارشاد در دوره قبل قرار بود حمایت کند حتی خانه کتاب دو طبقه بالایش را خالی کردند به ما بدهند باز معاون آقای ستاری جلوی بودجه را گرفت و اجازه نداد این کار راه بیفتد.

نمونه بگویم برای شما شما بازی آقا میرزا را دیدید ما هفت نشست «زبان کاران» برگزار کردیم کسانی که در حوزه زبان و ادبیات کسب و کار راه انداختند به جرئت می‌توان گفت قویترین آن‌ها میرزا بود ۱۷ میلیون نصب فعال داشت ۱۰ هزار واژه را فعال می‌کرد شما چطور می‌خواهید از زبان فارسی حمایت بکنید؟ بودجه‌ای دارید؟ همین رو می‌شود درباره شعر، ضرب‌المثل، گویش لهجه ترانه‌های محلی و... ایجاد کرد و ماجرای که این را هم باید در نظر بگیریم که ما جامعه‌شناسی ادبیات یک خرده داریم جامعه‌شناسی زبان اصلاً نداریم حتی دوستان آمده‌اند پایان‌نامه دفاع بکنند استاد حاضر نمی‌شد کمک کند همین‌طور مردم‌شناسی خیلی کمتر و مطالعات فرهنگ عامه یک خرده هست. از همه مهم‌تر این است که رشته‌های زبان‌شناسی اصلاً اجازه نمی‌دهد کسی وارد حوزه آینده پژوهی حوزه زبان و سیاست‌گذاری حوزه زبان بشود. بنده برای مصاحبه دکتری زبان‌شناسی که رفتم گفتم می‌خواهم در این حوزه کار بکنم گفتند شما نمی‌دانید در این حوزه هیئت علمی نداریم؟ شما باید بروید خارج درس بخوانید. به همین صراحت هر جای دیگری در دنیا اینگونه بگویند اصلاً ممکن است پرونده حقوقی داشته باشد. تو کی هستی که آدمی که آمده است برای موضوعی به این مهمی آمده است حرف بزند را ارجاع می‌دهی که به خارج از کشور برو درس بخوان؟ بحث این نیست که من کسی باشم بالاخره ما ۲۰ سال در میدان داریم خاک می‌خوریم الان به این نتیجه رسیدیم که بیاییم این کار را بکنیم بعد شما استاد دانشگاه هستید اگر نحو نباشم صرف نباشم چیزهای رایج گفتمان‌شناسی، نشانه‌شناسی اگر اینها نباشند چیز دیگری نخواهم باشم نمی‌شود، غلط می‌کنی چیز دیگری باشی.

بحث دیگری که باید به آن توجه شود انجمن های ادبی بین زبانی است. به طور خاص در سوریه ۵ هزار نفر حداقل آدم داریم که اینها آمدند ایران و درس خواندند و زبان فارسی را مسلط هستند. حداقلش این است که ما یک انجمن ادبی دوستداران زبان عربی و فارسی در سوریه راه بندازیم و یک خواهر خواندگی راه بندازیم انجمن دوستداران زبان فارسی و عربی و اینها یک تعاملاتی برایشان تعریف شود و حمایت بشود. همینطور برای زبان آلمانی و فارسی در آلمان و ایران. ببینید اگر ما این انجمن ها راه بندازیم در عرصه بین المللی یک خرده دست بالاتر خواهیم داشت و این تعاملات زبانی اصلاً شکل می گیرد ما اصلاً در به در دنبال این می گردیم که یک مترجم پیدا کنیم که رمان آقای امیرخوانی را ترجمه کند به زبان آلمانی. در حالی که در خود آلمان انجمن های خیریه ای هستند که دنبال این هستند که کتاب هایی از ایران بیایند جمع کنند به آنجا ببرند به آلمانی ترجمه کند

و بعد حوزه های ادبی جدید را نیز در نظر بگیریم، به جز حالا ماجرای موسیقی هنر سینما که ما اساساً یک سریال برای سعدی یا حافظ، سید علی همدانی نداریم درگذشتگان نداریم در جدیدها نیز نداریم در مقایسه با ترکیه که چهارتا فیلم تاریخی درست کرده و همه چیز را دارد به خودش می زند. تمام شاعرانی که در دوره مغول به آن سمت مهاجرت کردند مولوی، نظامی و... را می گویند مال ماست.

ما در حوزه جدید نیز کار نمیکنیم؛ یعنی ما حواسمان به کمیک و مانگا نیست در صورتی که شدیداً در ایران خوانده می شود و شدیداً... یکی از دلایلی که ایرانیان اقبال دارند به زبان کره ای و ژاپنی همین کمیک مانگاها است که زبان اصلی اینجا می آید ترجمه می شود. امروز که می آید فردا ترجمه اش روی سایت هاست به رایگان و بیست هزارتا، پنجاه هزارتا فروش می رود بعضی از آنها و شما در نمایشگاه کتاب میبینید پر از کمیک و مانگاه خارجی است و کمیک و مانگا ایرانی وجود ندارد یا در حد فقط ایلیا و پورخش است که باید در مورد آنها هم صحبت می شود که جریان هایی که دارند کار می کنند. یک وقتی همین معاونت علمی مرکز فناوری های خلاقش یک خانه ی پی نما راه اندازی کرده بودند که آن هم الحمدلله منحل شد.

بحث گردشگری زبان و ادبی را در نظر بگیرید. یک طرحی را نوشته بودم چند سال پیش به بنیاد سعدی دادم. حتی باز نکردند تا ببینند چه هست. به تاکید خود معاون آقای حداد نفرستادم آن را. ما می توانیم این ادعا را ثابت کنیم پایش بایستیم، تحریمیم؟ بله همه اتفاق افتاده است بله. ما میتوانیم اقتصادی بنیان بگذاریم که در دنیا یک حجم مشخصی از حجم گردش مالی نیز دارد قبل از کرونا آماری که ما در آورده بودیم ۶۰ میلیارد دلار در اروپاست و آن اقتصاد اقتصاد زبان محور است به صورت خاص ما در ایران می توانیم اقتصاد زبان محور را به وجود بیاوریم. در فرهنگستان من این را یک جلسه ارائه کردم که منظور از اقتصاد زبان محور چیست؟ یک نمونه کوچکش را بگویم الان ایران شده است بهشت گردشگری با این وضعیت تا کی می خواهیم این ها را بیاوریم اصفهان نشان بدهیم ببریم. بیاییم ارزش افزوده تولید کنیم بگذاریم گردشگری زبانی، ادبی و فرهنگی بگویم شما بیاید در ایران من به شما ویزا میدهم اقامت یکساله می دهم این اقامت یکساله هم ۱۰ سال طرف را نگه ندارم تا بدهند الان مرکز آموزش زبان فارسی دارد می شود ارمنستان و پاریس چرا چون ارمنستان یک هفته ای ویزا میدهد ایران سه سال دارد استعلام امنیتی می گیرد بگذار بیاید فوئش جاسوس است، بیرونش می کنیم، می گیریدش.

پا از گلوی فرهنگ بردارید آقایان امنیتی. بگویم من به شما یک روزه ویزا می دهم. بخواهیم این کار را انجام دهیم می توانیم پس بیاییم یکجایی پای کار فرهنگ بایستیم. یک نفر در ایران قصه ها را می فهمد آقای خامنه ای است. من یک هفته ای به تو ویزا میدهم بیایی ایران من کلاس آموزش زبان برایت میگذارم روزی سه ساعت. مدرسش هم دنبالت می آید می بریمت بوم گردی. فرمول آن خیلی ساده است هزار دلار در ماه نصف هزینه ی یک آدم است در اروپا است ماهی ۲۰۰۰ ۲۵۰۰ دلار در اروپا باید حداقل خرج کند ما با هزار دلار راحت می دهیم ۶۰ میلیون می شود چه کار می خواهید برای انجام بدهید که کم او باشد؟ غذای محلی به او بده، زبان فارسی به او یاد بده در خیابان و بازار بگردد نبر بازار شاه عباسی، نبر هتل پارسیان از قضا ببر بوم گردی، هتل تاریخی ببر فرهنگ ایرانی یادش بده آشپز خیاطی موسیقی یادش بده در یک سال یک آدمی تربیت بکن که بتواند برود در لندن، پاریس در هر جا خودش بشود مدرس این کاره. کدام پدر است که یک چنین تجارت پرسودی را برای فرزندش

نخواهد؟ ۱۲ هزار دلار می دهد به بچه اش، ماهی ۵۰۰ در جیش می گذارم اینجا عشق کند که هزینه اش را نیز شما دارید انجام می دهیم بعدش می آید یک زبان بلد است، گویش بلد است لهجه بلد است زبان بلد است فرهنگ بلد است فال حافظ می فهمد چیست شعر میخواند اگر مذهبی باشد که دیگر آخر ماجرا است. بعد شما می گوید پولم را به من نمی دهد تو بی عرضه ای که به تو پولت را نمی دهند برنامه بگذار که خودش بیاید التماس کند و پول را بدهد.

بنیاد سعدی فقط دانشجو پذیرش میکند. تاجر چه می شود؟ روزنامه نگار چه می شود؟ ادامه نظامی چه میشود اصلا من می گویم جاسوس چه می شود بنیاد سعدی اولین دفعه که ثبت نام کرد ۶۰ نفر از اسرائیل ثبت نام کردند بعد من به کارشناس آنجا می گویم با آنها چه کار کردید می گوید معلوم است راهشان ندادیم گفتم خسته شدید... شصت جاسوس آمده اینجا اتفاقاً برای آن باید فکر کند و اتفاقاً بماند بقیه کرسی ها نیز دارد تعطیل می شود

روی گردشگری زبان اگر فکر کنیم و بعد از آن روی دیپلماسی زبانی - ادبی حالا اینها را مفصل در مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۴ ساعت سخنرانی کردم دو ساعت هم جلسه دیگری بوده است شاید نزدیک ۱۰ ساعت بحثش شد دیپلماسی زبانی و ادبی چه هست و اصلاً چه مراکز نفوذی داریم؟

پاکستان آمده گفته است سه ایالت میدهم به شما میدهم آن را فارسی زبان بکنید و ما هیچ کاری نکردیم. هند از پارسال گفته است میایم در کتاب های درسی زبان فارسی شما را وارد میکنیم. من و شما لازم نیست هیچ چیزی از سیاست و فرهنگ بدانیم فقط بدانیم که هند یک زبانی فارسی بوده است و طی یک فرآیند استعماری زبان میانجی کل آن یک میلیارد نفر فعلی شده است انگلیسی. الان باید چه کار بکنیم؟ هر کشوری دیگری بود جشن ملی به پا می کرد روز پیوند ایران و هند انجام می داد و می گفت هر کسی هر کاری می تواند بیاید انجام دهید حمایت مالی و سیاسی می کنیم. ببینید پارسیان هند این نوادگان تات ها که آنجا هستند پولدارترین تجار جهانی هستند با آنها مذاکره کنیم علاقه به ایران و زبان فارسی نیز دارند و این ها را بیاورید از ایشان کمک بگیرید و یک اتفاقی را رقم بزنید. حالا شما این کار را نکردید حالا می خواهید کتاب درسی بنویسید با چه فیلم و برنامه ای. کتاب درسی کو هیچی؟

یک سال چند جلسه می‌گیریم جستجو کنیم چقدر خبرش در رسانه‌ها هست؟ چقدر این باره حرف زده شده است؟ خنده دار است تعداد انگشتان یک دست اخبارش نمی‌رسد.

تازه این بنیاد سعدی است یک وقتی جستجو کردم خیلی جاهای دیگر خبرش را منتشر نکرده‌اند. روابط عمومی بنیاد سعدی چه می‌گوید؟ جلسه گذاشته‌ایم با فلانی که آقای دکتر فلانی بیاید کتاب بنویسند. فقط کتاب بنویسیم؟ در دنیای فضای مجازی سینما، دنیای Content فقط کتاب بنویسیم؟

سؤال: الگویی برای نویسا کردن دانش‌جو ارائه دهید.

حداقلش این است که بچه‌ها ویرایش بلد باشند با سه واحد درس فارسی عمومی هیچ کس نمی‌تواند متن بنویسد. فارسی عمومی ادامه دبیرستان است دیگر. مقاله نویسی جستارنویسی یادداشت نویسی هر کدام فنون دارند چند تا کتاب را خدمتتان عرض می‌کنم غلط ننویسیم ابوالحسن نجفی. کتاب‌های آقای علی اصغر سلطانی نشر لوگوس منتشر کرده است چه پاراگراف نویسی چه مقاله نویسی است و کتاب مرحوم ذوالفقاری راهنمای ویراستاران نشر علم.

فیاض

آیلتس‌هایی که ۲۰ سال در این مملکت راه انداختند تمام زبان فارسی دانشگاهی ما را مختل کردند این اولین مشکل ماست استادها کتاب نویسی بلد نیستند نابود کردند زبان فارسی و تولید علم را. به نام اینکه رشد علمی و... جایی که باید تعطیل بشود این است. قبلاً تمام کتاب‌های درسی را استادها می‌نوشتند به فارسی الان ما کتاب درسی در دانشگاه نداریم سمت هم که سراغ ترجمه کتاب رفته است، خنده آور است سازمان سمت دارد کتاب ترجمه کند نه تألیف. در علوم انسانی کاری که باید انجام دهیم این است که برگردیم و شروع کنیم به تولید کتاب. اگر کتاب خوبی بنویسد و حرفی باشد، دو سه پایه به او بدهیم. قبل از انقلاب این کار را می‌کردند و متأسفانه از بین رفته است. کتاب نویسی یکی از بحث‌های جدی است تولید مهم است اما بازتولید مهمتر است. بازتولید علم در قالب کتاب‌های درسی در دانشگاه

باید اصل شود. برای استاد برای ISI ۸ نمره میدهند برای کتاب ۵ نمره. باید سیاست‌های اینگونه را باطل کنید.

نکته آخر اینکه بایستی علوم انسانی را حاکم کنیم بر علوم تجربی. اگر علوم تجربی‌ها و فنی حاکم باشند در کشور آنها زبان خارجی را بر زبان فارسی حاکم می‌کنم طبق دلیلی که گفتم کلمه تکنولوژی با خودش می‌آید که کلمه «تایم» را آوردند.

من یک مقاله چند سال پیش نوشتن راجع به سیاستگذاری زبانی که هنوز در دنیا بوجود نیامده بود. بعدا به وجود آمد. یک نقدی کردم مردم شناسی ارتباطی ادبیات یکی دو تا مقاله هم سیاستگذاری زبانی. بعد ارتباطی این زبان است. اگر زبان را شما شکل ندهید دین نیز در جامعه منقطع می‌شود. می‌توانم شاهد مثال بیاورم که منبری‌هایی مثل شیخ حسین انصاریان و پناهیان که چه ضربه‌ای زدند به زبان دین.

مقاله: سیاست گذاری و برنامه ریزی زبانی با توجه به انسان شناسی (زبان، تغییرات اجتماعی و توسعه)

<http://ensani.ir/fa/article/131814/%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%B1%DB%8C%D8%B2%DB%8C-%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%AA%D9%88%D8%AC%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C->